

## اعتراض علیه حمایت چاوز از احمدی نژاد و حمایت رهبری IMT از چاوز



نامه سرگشاده مازیار رازی خطاب به کارگران ونزوئلا در مورد حمایت هوگو چاوز از احمدی نژاد به تاریخ ۳ تیر ۱۳۸۸، مجدداً در این جا انتشار داده می شود. این نامه، به دو علت، در وضعیت کنونی انتشار می یابد. علت نخست، این است که چاوز با وجود اعتراضات بین المللی بسیاری از نیروهای مترقی و چپ جهان، کماکان به حمایت خود از دولت احمدی نژاد ادامه داده است. علت دوم نیز اینست که با وجود درج و انتشار این نامه در بسیاری از سایت ها و نشریات نیروهای مترقی جهان به زبان های مختلف، رهبری گرایش بین المللی مارکسیستی (IMT)، به عنوان سازمانی که گرایش ما بخش ایران آن را تشکیل می داد، از انتشار نامه سرگشاده مذکور امتناع کرد.

انتقاد فعالین کارگری و مارکسیست های ایران از چاوز، موضوع جدیدی نیست. بیش از شش سال پیش، در تاریخ ۱۴ آبان ۸۳ (۴ نوامبر ۲۰۰۴)، شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN) نامه سرگشاده مؤدبانه ای خطاب به هوگو چاوز نوشت و ضمن آن، روی نبود حتی ابتدایی ترین حقوق، من جمله حق تشکیل سندیکا در ایران، دست گذاشت. به دنبال این نامه، نامه سرگشاده دیگری از سوی اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران در مرداد ۸۵ با تأکید بر مغایرت سیاست های حکومت بولیواری و جمهوری اسلامی ایران، و هم چنین توضیح نقش رژیم در شکست انقلاب ۵۷ نوشته شد. از آن زمان، نامه های سرگشاده و بیانیه های بسیاری (غالباً در مورد ملاقات با مقامات دولت ایران) در مورد رابطه نزدیک چاوز با رژیم ایران نوشته شد؛ من جمله بیانیه ای از IMT که پیش نویس آن به وسیله ما تهیه گردید، اما دبیرخانه بین المللی IMT، این مقاله را، بدون کوچک ترین مشورتی، پیش از انتشار تغییر داد.

لازم به ذکر است که این موضوع، یعنی رابطه بسیار نزدیک چاوز با سران دولت بورژوازی ایران، صرفاً دغدغه چپ ایران نیست، بلکه کارگران ایران را هم نه تنها نسبت به دستاوردهای حکومت بولیواری ونزوئلا بی تفاوت نموده، که نوعی بیزاری و تنفر از چاوز را نیز ایجاد کرده است. به عنوان نمونه، در مرداد ۸۵، چاوز از ایران خودرو، بزرگ ترین کارخانه ساخت اتومبیل و وسایل نقلیه در خاورمیانه، بازدید کرد. پیش از این، کارگران نکات مثبت بسیاری در مورد چاوز شنیده بودند و علاقه داشتند تا به صورت شخصی با او ملاقاتی داشته باشند. در ابتدا کارگران بسیار شگفت زده بودند که می دیدند رئیس جمهور یک کشور با کارگران دست می دهد و یا حتی با آن ها روبروسی می کند. حتی قرار بود که آن ها بیانیه ای را به افتخار چاوز و به منظور استقبال از حضور این رهبر انقلابی در کارخانه خود قرائت کنند. اما پیش از قرائت این بیانیه، چاوز به تحسین از احمدی نژاد پرداخت، او را برادر خود خطاب کرد و رژیم ایران را دولتی انقلابی نامید و غیره. کارگران تماماً از او بیزار شدند، به طوری که بیانیه را پاره و سالن را ترک کردند.

به این ترتیب، امتناع دبیرخانه IMT به رهبری آلن وودز Alan Woods از محکوم نمودن هوگو چاوز به خاطر حمایت همه جانبه او از جمهوری اسلامی ایران و اقدامات این رژیم در ممانعت از برگزاری تظاهرات خیابانی پس از "انتخابات" و سرکوب شدید هرگونه اعتراض، مشکلات را شدیدتر کرد. در همان حال که رژیم ایران هر روز از روش‌هایی وحشیانه برای در هم کوبیدن اعتراضات خیابانی استفاده می‌کرد، آقای چاوز هم در حمایت خود از سرکوب آن چه که تظاهرات با کمک CIA می‌نامید، مصمم تر می‌شد.

مبارزه بخش ایران سازمان IMT و مازیار رازی، در برابر عدم اتخاذ موضع علیه چاوز از سوی رهبری، به جایی رسید که رهبری IMT برای حفظ روابط حسنه اش با چاوز در راستای پیوستن به سازمان بین‌المللی چاوز (بین‌الملل پنجم [۱]) مازیار رازی را با اتهامات بی‌اساس و واهی اخراج نمود و عضویت بخش ایران را به حالت تعلیق درآورد.

اسناد مقابله بخش ایران با رهبری IMT به زودی ترجمه و در اختیار جنبش کارگری ایران قرار خواهد گرفت.

## شورای دبیری گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران

۱۲ فروردین ۱۳۸۹

### خطاب به کارگران ونزوئلا در مورد حمایت هوگو چاوز از احمدی نژاد

کارگران شریف ونزوئلا

مارکسیست‌های انقلابی ایران، از دستاوردهای شما در "جنبش بولیواری" مطلع بوده و همواره از این جنبش در مقابل دروغ پردازی‌های وسیع و دخالت‌های آشکار و پنهان امپریالیسم حمایت کرده‌اند. فعالین کارگری و دانشجویی در ایران، برای حمایت از جنبش ارزشمند شما و مقابله با تهاجمات و مداخلات امپریالیسم آمریکا در ونزوئلا، کمپین "[دست‌ها از ونزوئلا کوتاه](#)" را ایجاد کرده و طی سال‌های گذشته، همراه با شما در صف مقابل تهاجمات امپریالیستی قرار داشته‌اند. بدیهی است که دستاوردهای شما تحت رهبری آقای هوگو چاوز به دست آمده و از این نظر نیز، شما برای او عمیقاً احترام قائلید.

اما

آقای هوگو چاوز در سیاست خارجی خود دچار لغزش بزرگی شده و با پشتیبانی خود از احمدی نژاد، همبستگی کارگران و دانشجویان ایران با انقلاب شما را نادیده گرفته و به عبارتی بی‌ارزش نشان داده است. حتماً مطلع هستید که دو هفته پیش، احمدی نژاد با حمایت مستقیم خامنه‌ای بزرگترین تقلب را در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری ایران انجام داد و سپس تمام معترضان به این تقلب بزرگ را با سبعت تمام به خاک و خون کشید. تنها کفایت به گزارشات رسانه‌های بین‌المللی توجه کنید تا عمق این فاجعه را دریابید. این حملات وحشیانه مورد اعتراض میلیون‌ها نفر از کارگران و دانشجویان و هم‌چنین گرایش‌های مارکسیستی و انقلابی در سراسر جهان (که عمدتاً از طرفداران انقلاب بولیواری نیز می‌باشند) قرار گرفته است.

با این اوصاف، آقای چاوز یکی از نخستین افرادی بود که از احمدی نژاد حمایت کرد. او در سخنرانی تلویزیونی هفتگی خود گفت: "پیروزی احمدی نژاد یک پیروزی تمام‌عیار بود. آن‌ها می‌کوشند این پیروزی را لکه دار کرده و از این طریق دولت و انقلاب اسلامی را تضعیف کنند. من می‌دانم که آن‌ها موفق نخواهند شد." و این که "دنیا باید به ایران و پیروزی محمود احمدی نژاد احترام بگذارد". این سخنان نسنجیده و بی‌اساس از سوی رئیس‌جمهور شما، اهانت بزرگ و مستقیم به میلیون‌ها جوانی است که در روزهای اخیر در خیابان‌های ایران ضد استبداد برخاسته و حتی تعدادی از آنان، جان خود را هم از دست داده‌اند. بسیاری از این جوانان به شکل خودجوش و بدون آلوده شدن در "دعواهای داخلی رژیم" و یا همسو شدن با خطی که هم‌اکنون امپریالیسم آمریکا برای مصادره جنبش دنبال می‌کند، به خیابان‌ها سرازیر شده بودند.

به علاوه، سخنان رئیس جمهور شما توهینی بزرگ به میلیون ها کارگر ایران محسوب می شود. کارگرانی که بسیار از رهبرانشان امروز در زندان های قرون وسطی ای دولت احمدی نژاد زیر شکنجه قرار دارند و حتی برای برخی از آنان حکم "شلاق" صادر می شود! کارگرانی که برای برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در تهران شدیداً از سوی مزدوران دولت احمدی نژاد سرکوب شده و هنوز در زندان به سر می برند.

آقای هوگو چاوز تا کنون هفت بار به ایران سفر کرده و هر بار یکی از منفورترین افراد این کشور را به آغوش کشیده و از او به عنوان "برادر"ش نام برده است. او توجه نمی کند که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ونزوئلا و ایران در دو مسیر کاملاً مخالف حرکت می کنند. اگر چه هر دو کشور شاهد افزایش قابل ملاحظه ای در درآمدهای حاصل از نفت (و گاز) بوده اند، اما، مابین شیوه های استفاده از این درآمدهای مضاعف، تفاوت های فاحشی وجود دارد. در ونزوئلا، از این درآمد برای ساخت بیمارستان، مدارس و دانشگاه و سایر زیرساخت های اساسی کشور استفاده می شود، ولی در ایران برای پر کردن جیب عده معدودی سرمایه دار انگل صفت.

از یک سو در ونزوئلا، ما شاهد ملی شدن هر چه بیشتر شرکت ها و کارخانجات، خدمات رایگان بهداشتی و درمانی، آموزش و پرورش و آزادی های مدنی و غیره بوده ایم (به عکس در ایران، "خصوصی سازی" حتی به قیمت زیر پا گذاشتن اصل ۴۴ قانون اساسی این کشور و به بهانه عدم کارایی و بهره وری پایین بنگاه ها و کارخانجات دولتی، در دستورکار روز دولت قرار گرفته است) تمامی این پیشرفت ها برای کارگران و اقشار محروم ونزوئلا، به معنای در دست گرفتن زندگی و سرنوشتشان می باشد؛ مهم تر از همه، سلب مالکیت از کارخانه ها و تشویق به کنترل و دخالت کارگری، ماهیت جنبش کارگری ونزوئلا را دگرگون کرده و چند گام به پیش برده است. جنبش بولیواری و سیاست های حکومت آن تغییرات عظیمی را در توازن نیروهای طبقاتی ونزوئلا به نفع طبقه کارگر انجام داده است. حکومت ونزوئلا نه تنها کارگران را به ساختن "اتحادیه ملی کارگران"، به عنوان بدیلی در مقابل "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا"، تشویق کرده، بلکه کارگران را در اداره و مدیریت کارخانجات و سایر شرکت ها دخالت داده است. تمام جهان می داند که دولت شما فهرست اسامی ۱۱۴۹ کارخانه تعطیل شده را بیرون داده و به صاحبان آن ها اخطار داده است که «آن ها را تحت کنترل کارگری قرار دهید و یا حکومت از شما سلب مالکیت خواهد کرد!»

اما در ایران، علاوه بر نبود ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک، کارگران از داشتن حق تشکیل هرگونه اتحادیه مستقل کارگری محروم هستند. امروز، کارگران ایران حتی حق داشتن یک کنفدراسیون مانند "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا" را هم ندارند! آن چه آن ها دارند در «خانه کارگر» و «شورای اسلامی کار» و نهادهای ضد کارگری وابسته به دولت خلاصه می شود؛ نهادهایی که اصولاً در تقابل با کارگران و برای خفه کردن هرگونه جنبش کارگری شکل گرفته اند.

اما در پیش چنین نبوده است: سرنوشتی رژیم شاه، برای کارگران آزادی هایی را دربر داشت که در برخی موارد حتی شامل کنترل بر تولید و توزیع نیز شد. اما هیئت حاکم اسلامی موفق شد با سرکوب، تمام دستاوردهای کارگران را از آن ها باز پس گیرد. این رهبرانی که شما در آغوش می کشید، با کشتن هزاران کارگر، جنبش را نابود کردند و چندین دهه به عقب کشاندند. در جامعه ایران، حتی اتحادیه های کارگری زرد طرفدار کارفرما- که در دوره شاه قابل تحمل بود- غیرقانونی شده و هم چنان غیرقانونی باقی مانده است! حتی یک فدراسیون اتحادیه های کارگری، مانند "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا" نیز در ایران غیرقانونی می باشد!

در ایران، میزان بیکاری رسمی (که پایین تر از میزان واقعی برآورد شده است) ۱۰/۸۵ بوده و بیکاری در میان جوانان (بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۲/۳۵ است. حتی وقتی کارگران شاغل هستند، اغلب حقوقشان پرداخت نمی شود- در بسیاری از موارد بیش از یک سال. حتی آن هایی که دستمزد خود را دریافت می کنند به زحمت قادر به پرداخت هزینه های ابتدایی خود در زندگی هستند، زیرا که دستمزدشان کفاف یک زندگی معمول و شرافتمندانه را نمی دهد. برای نمونه، اجازه ی آپارتمان دو اتاق خوابه ۴۲۲ دلار در ماه است، در حالی که درآمد یک کارمند عادی ۱۲۰ دلار، درآمد یک معلم ۱۸۰ دلار و حتی درآمد یک پزشک ۶۰۰ دلار در ماه است. جای تعجبی نیست که ۹۰٪ جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند.

کارگران شریف ونزوئلا

دولت سرمایه داری ایران، هیچ اختلاف و تضاد بنیادین با امپریالیسم آمریکا ندارد. آن‌ها در حالت جنگ سرد با آمریکا قرار دارند و با دریافت امتیازات کافی، به زودی وارد معاملات سیاسی با ایالات متحده خواهند شد و پشت شما را خالی خواهند کرد. در حقیقت دولت سرمایه داری ایران به آمریکا در تهاجم و اشغال نظامی افغانستان و عراق - و روی کار آوردن رژیم‌های دست‌نشانده‌ای مانند رژیم «کرزای» و «ملکی» به وسیله تبادلات تجاری امنیتی و معاملات دیگر - کمک کرده است. دولت سرمایه داری ایران هم اکنون مشغول مذاکره نزدیک با دولت اوپاما در مورد حل مسایل افغانستان است. این دولت علی‌رغم شعارهای به ظاهر "ضد امپریالیستی" اش، به سوی بازسازی پیوندهای سابق خود با ایالات متحده آمریکا پیش می‌رود. گزینش احمدی نژاد، نشانگر چرخش نهایی رژیم برای حل اختلافاتش با امپریالیسم، و در رأس آن آمریکا است. بر خلاف تمام "دشمنی‌ها"، و ژست‌های "ضد امپریالیستی"، رژیم آماده حل کلیه اختلافات موجود با آمریکا است. دولت ایران می‌خواهد از ایران، جامعه‌ای مثل کلمبیا بسازد (در کلمبیا هزاران کارگر اتحادیه‌ای کشته شده است تا شرکت‌های چند ملیتی بتوانند بدون هیچ‌گونه مانعی، کارگران را استثمار کرده و منابع طبیعی کشور را به یغما برند). بی‌جهت نیست که دولت ایران، سال‌هاست در جهت اجرای نسخه‌های نئولیبرالی و رشکسته بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گام برداشته و برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی لحظه شماری می‌کند.

کارگران شریف ونزوئلا

پیوند نزدیک و مرتب رهبر شما آقای هوگو چاوز با سران این رژیم، موجب شده است که توده‌های مردم ایران به درس‌های بزرگ روند انقلابی در ونزوئلا پشت‌کنند. جای گرفتن در قلب و ذهن توده‌های مردم ایران و کشورهای نظیر آن، بهترین راه حل درازمدت برای قطع کردن دست‌های و اشنگن از آمریکای لاتین است. نزدیکی رهبر شما با دولت سرمایه داری ایران، دولتی که دست‌هایش به خون هزارها کارگر و جوان آغشته است، نشان می‌دهد که سیاست بین‌المللی ضد امپریالیستی رهبر شما دچار انحرافی اساسی است. ایشان با نزدیکی به رژیم‌های ارتجاعی، هرگز نخواهد توانست مبارزه ضد امپریالیستی را به فرجام رساند. تنها اتحاد نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان می‌تواند در مقابل امپریالیسم ایستادگی کند.

کارگران شریف ونزوئلا

در کنار کارگران ایران قرار بگیرید و سیاست خارجی رهبران خود را محکوم کنید. طرفداری از احمدی نژاد یعنی طرفداری از سرکوب کارگران و جوانان ایران. مواضع انحرافی آقای چاوز را به چالش کشیده و آن را طرد کنید. طرفداری از دولت احمدی نژاد، آن هم پس از وقایع اخیر، در بدترین حالت یک خیانت آشکار به زحمتکشان ایران و در بهترین حالت یک لغزش اساسی در سیاست خارجی است.

با احترام

مازیار رازی

سخنگوی گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران

۳ تیر ۱۳۸۸